بنیاد دانیل سینگر، ٔ جایزهٔ «زندانی عقیدتی» سال ۲۰۲۶ را به پخشان عزیزی اعطا کرد



بنیاد دانیل سینگر، پخشان عزیزی را به‌عنوان برندهٔ جایزهٔ «زندانی عقیدتی» سال ۲۰۲۶ انتخاب کرده است. عزیزی زندانی سیاسی کُردِ ایرانی است که در بند زنان زندان اوین تهران، با حکم اعدام روبه‌روست.

پخشان عزیزی با رسیدگی به قربانیان داعش، با ایستادگی اش در برابر شکنجه‌گران، و با اجازه ندادن به این‌که رنج و موقعیتش دستاویز جنگی شود که به او تعلق ندارد، شجاعتی آرام و استوار از خود نشان داده است؛ شجاعتی که حاکمانِ متکی بر ترس را به هراس می‌اندازد و به دیگران نیرو می‌دهد تا مبارزه را ادامه دهند.

عزیزی، متولد ۱۹۸۴ در مهاباد، در رشتهٔ مددکاری اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران فارغ‌التحصیل شد. او در سال ۲۰۰۹، به‌دلیل شرکت در اعتراض دانشجویان کُرد به اعدام‌های سیاسی بازداشت شد و چهار ماه در زندان گذراند. پس از آزادی، به اقلیم کردستان عراق رفت.

در سال ۲۰۱۴، هنگامی که داعش شنگال (سنجار) را تصرف کرد و به کشتار مردم ایزدی و به‌بردگی‌گرفتن آن ها پرداخت، عزیزی به پناهگاه بازماندگان رفت. او طی هفت سال بعد در اردوگاه‌های پناهندگان در شمال‌شرق سوریه (روژاوا) فعالیت کرد: ابتدا در کنار خانواده‌های ایزدی که از شنگال گریخته بودند و سپس در اردوگاه الهول، در میان زنان و کودکانی که از جنگ و خشونت جنسی جان سالم به در برده بودند.

در اوت ۲۰۲۳، عزیزی همراه با پدر، خواهر و شوهرخواهرش در تهران بازداشت شد. آن‌ها چند روز بعد آزاد شدند، اما عزیزی در بازداشت ماند. او پنج ماه را در سلول انفرادی گذراند و از دسترسی به وکیل مدافع و ملاقات محروم بود. به‌گفتهٔ عفو بین‌الملل و کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل، او را شکنجه کردند، در معرض خشونت جنسیتی قرار دادند و بارها گفتند که حق زندگی ندارد؛ هدف، وادارکردن او به «اعتراف» به عضویت در یک گروه مسلح کُرد بود. عزیزی زیر بار این اعتراف نرفت.

عزیزی وکلای مدافعش را نخستین‌بار در دادگاه ملاقات کرد. «مدارک» ارائه‌شده علیه او شامل شرکت در اعتراض سال ۲۰۰۹ و حمایت او از خانواده‌هایی بود که پیگیر دادخواهی برای کشته‌شدگان خیزش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲ بودند. در ژوئیهٔ ۲۰۲۴، دادگاه انقلاب او را به اتهام «قیام مسلحانه علیه حکومت» به اعدام محکوم کرد، بی‌آن‌که در حکم به هیچ اقدام مسلحانه‌ای اشاره شود. دیوان عالی کشور این حکم را تأیید و درخواست‌های تجدیدنظر او را رد کرد؛ حتی در مقطعی، او را عضو داعش خواند؛ همان گروهی که عزیزی سال‌ها از قربانیانش مراقبت کرده بود.

زندان نتوانسته صدای عزیزی را خاموش کند. پس از اعلام حکم او، زندانیان سیاسی زن در اوین در حمایت از او دست به تحصن زدند. عزیزی همچنین در اعتراض‌های بند زنان علیه افزایش اعدام‌ها به دست حکومت شرکت کرده است؛ شمار اعدام‌ها

در سال ۲۰۲۵ از ۲۰۰۰ مورد گذشت و به بالاترین میزان از اواخر دهۀ ۱۹۸۰ رسید. به‌دلیل شرکت در این اعتراض‌ها، شش ماه دیگر به حکم او افزوده شد. در ژانویۀ ۲۰۲۵، هم‌زمان با افزایش نگرانی‌ها دربارۀ اجرای قریب‌الوقوع حکم اعدامش، مغازه‌ها در شهرهای کُردنشین ایران در اعتراض به مجازات اعدام اعتصاب عمومی کردند.

پس از آن‌که وزارت خارجۀ آمریکا بیانیه‌ای منتشر کرد که به‌نظر می‌رسید از پروندۀ او حمایت می‌کند، پخشان عزیزی از سلول زندان پاسخ داد: «*اگر دولت ایالات متحده آمریکا واقعاً به اصول حقوق بشر و انسانیت باور دارد، باید پیش از هر چیز به جنگ‌طلبی، تجاوز و جنایت‌هایش در منطقه پایان دهد. هم چنین باید حمایت آشکار خود از رژیم صهیونیستی را متوقف کند؛ رژیمی که علیه مردم غزه مرتکب نسل‌کشی شده است.*» او افزود: «*نمی‌خواهم بخشی از مانورهای سیاسی قدرت‌های غربی باشم.*»

عزیزی در نامه‌ای که در ژوئن ۲۰۲۶ از زندان اوین نوشت، جنگی را که ایالات متحده و اسرائیل به راه انداخته‌اند محکوم کرد و تأکید کرد: «*کودکان سزاوار زندگی‌اند، نه مرگ.*» او نامه‌اش را چنین به پایان رساند: «*من کسی هستم که برای زندگی می‌میرد، نه کسی که برای مرگ زندگی می‌کند.*» جلسۀ رسیدگی به درخواست تبدیل حکم اعدام او به حبس ابد که برای ۴ اکتبر تعیین شده بود، بارها به تعویق افتاده است.

بنیاد دانیل سینگر با اندوه و امید، جایزۀ «زندانی عقیدتی» خود را به پخشان عزیزی اهدا می‌کند.

برای حمایت از کارزار آزادی پخشان عزیزی، از اینجا اقدام کنید.